

یاد بگیرید که مزامیر را دوست داشته باشید

درس ۱۲: خدا، همه چیز است

رابرت گادفری

حالا به آخرین مزمور کتاب پنجم مزامیر رسیدیم، مزمور ۱۴۵. جلسه‌ی قبل قول دادم که علت این توضیح بدم. تئوری من؛ این فقط نظریه‌ی من درباره‌ی نحوه‌ی نگارش این کتابه؛ که در کتاب پنجم، خلاصه‌ی تاریخ اسرائیل رو داریم. بعد به پنج کتاب آخر مزامیر می‌رسیم، هرکدوم از اون‌ها، هر مزمور با «هللویاه» شروع می‌شه و با «هللویاه» تموم می‌شه.

پس معلومه که این پنج مزمور، به واحدند. هیچ‌کدوم از اون‌ها به عنوان ندارند، چون در آخر کتاب مزامیر هستند، فکرمون رو به اولش برمی‌گردونند. ما مقدمه‌ای رو با دو مزمور داشتیم که به یه نویسنده نسبت داده نشده، مزمور ۱ و مزمور ۲. پس ممکنه که حالا به نتیجه‌گیری از پنج مزمور رو در پایان کتاب داشته باشیم که با کلمه‌ی «هللویاه» در ابتدا و انتها به هم وصل شدند؟ این امکان هست و احتمالش زیاده.

پس سؤال ما اینه که چرا پنج تا؟ شاید این به‌طور نبوتی به پنج نکته‌ی کلوبنیسم اشاره می‌کنه، اما من هرگز اینو استدلال نمی‌کنم. عدد پنج در کتاب مزامیر از کجا می‌آد؟ خُب، این از پنج کتاب می‌آد، این‌طور نیست؟ به نظرم می‌شه از این دفاع کرد؛ اگرچه وقت نداریم امروز این کار رو بکنیم، اما می‌تونیم این‌طور دفاع کنیم که این پنج مزمور پایانی، نتیجه‌ای برای هرکدوم از پنج کتاب مزامیره. یه نوع نتیجه‌گیری از ستایشه؛ به‌رحال این کتاب ستایش‌هاست؛ این نتیجه‌گیری از ستایشه که کل کتاب مزامیر رو کنار هم می‌ذاره.

پس به نظرم، مثلاً مزمور ۱۴۶، ستایش مراقبت خداست. کتاب اول درباره‌ی مراقبت خدا بود، پس این ستایش مراقبت خداست. کتاب دوم، یادتونه که درباره‌ی ملکوت خدا بود. پس به نظرم، مزمور ۱۴۷، ستایش ملکوت خداست. کتاب سوم درباره‌ی وعده‌های خدا و بحران وعده‌های خدا بود که شاید به تحقق نرسیده بود. پس به نظرم، مزمور ۱۴۸، ستایش وعده‌های خداست. بعد کتاب چهارم درباره‌ی وفاداری خدا بود و به نظرم، مزمور ۱۴۹ درباره‌ی ستایش وفاداری خداست. بعد مزمور ۱۵۰، واقعاً نتیجه‌گیری کل کتاب مزامیره، اما مشخصاً کتاب پنجم، ستایشی در وصف نجات خداست. پس نقطه‌ی اوج و فزاینده‌ی ستایش رو داریم که کتاب‌های مختلف مزامیر رو به هم وصل می‌کنه. من بهتون فرصت می‌دم که اینو مطالعه کنید و ببینید که آیا قانع می‌شید.

اما الان می‌خوام کمی این مزمور شگفت‌انگیز، آخرین مزمور داود در کتاب مزامیر رو بررسی کنیم؛ شاید حداقل به‌نوعی آخرین مزمور کتاب پنجمه. به نظرم، امیدوارم با همدیگه متوجه بشیم که این مزمور چقدر شگفت‌انگیزه، چقدر بزرگ و باشکوهه، چقدر

مناسبه که به نوعی کتاب پنجم رو خاتمه بده. این به عنوان مزمور الفبایی شناخته شده. همون طور که در طول این جلسات گفتیم، مزمورنویس ها دوست دارند قالب های ادبی مختلف رو موقع نگارش اشعارشون بررسی کنند.

اون ها نمی خوان همه ی اشعار مثل هم باشند یا به شکل به نظر برسَن. پس از منابع گوناگون استفاده می کنند و یکی از اون ها که به طور خاص چالش برانگیز و تحریک کننده آس، نگارش یه مزمور الفبایی هست. مزمور الفبایی، یعنی هر خطی از مزمور با حرف متفاوتی از الفبای عبری شروع می شه و از کل الفبای عبری استفاده می کنه. ما نه مزمور در کتاب مزامیر داریم که این روش رو بکار برده. بزرگ ترین و جالب ترین اون ها، مزمور ۱۱۹ هست که نه تنها همه ی حروف الفبا بکار رفته، بلکه هر بندی از هشت خط تا آخر بند از همون حرف الفبای عبری استفاده می کنه. پس اولین بند هریک از هشت خط با یه حرف عبری شروع می شه، «الف» یا «ای».

پس این شاعر رو به چالش می کشه که خلاقانه از کلمات استفاده کنه تا تکراری نباشند. شاعر رو به چالش می کشه که شعری رو خلق کنه که همچنان تأثیرگذاره، حتی اگه به نوعی با این قالب ادبی محدود شده باشه. پس این واقعاً هنرمند رو به چالش می کشه و ظاهراً شاعر، اینو دوست داره. اگه می خواید بعداً برگردید و این مزامیر رو بررسی کنید، اون ها مزامیر ۹، ۱۰، ۲۵، ۳۴، ۳۷، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۹ و ۱۴۵ هستند. البته حتی در این مزامیر هم یه تنوع هنری هست. گاه گاهی، یه حرفی رو جا انداختند. عده ای از این موضوع خیلی ناراحت می شن. آیا اون ها اشتباه کردند؟ نه، این یه تنوع هنری هست. اون ها می خوان شما هم ارتباط برقرار کنید. می خوان شما هم فکر کنید.

می خوان توجه کنید که اگه کلمه ای رو اشتباه بگید یا حرفی رو جا بندازید، واقعاً متوجه خواهند شد. این شما رو بیشتر به طرف مزامیر جلب می کنه. پس ما سؤال جالبی رو درباره ی این موضوع در مزمور ۱۴۵ داریم، چون حداقل در کتاب مقدس ویرایش نسخه ی استنادار انگلیسی من، اگه به آیه ی ۱۳ برسید، شاید اگه ترجمه های متفاوتی دارید، این به شکل متفاوتی چاپ شده، اما بخش دوم آیه ی ۱۳ در کتاب مقدس انگلیسی من، در پرانتزه.

بعد اگه به پاورقی نگاه کنید، پاورقی می گه: «این دو خط برگرفته از یک دست نوشته ی عبری، سپتواجنت و ترجمه ی آسوری هست (در مقایسه با طومارهای دریای مرده).» پس می تونید امشب به خونه برید و طومارهای دریای مرده رو مقایسه کنید. نمی دونم چرا اینو اینجا گذاشتند. به هر حال، اکثراً در جایگاهی نیستیم که طومارهای دریای مرده رو در این مورد مقایسه کنیم.

اما جالبه که مطالب داخل پرانتز در آیه ی ۱۳، حرف «نون» یا «ان» هست. پس اگه این مطالب مال مزموره، پس یه الفبای کامل داریم. اگه این مطالب اصلی مزامیر نیست، پس تنوع هنری رو داریم که یکی از حروف جا افتاده. می دونید، گاهی به سختی می شه تصمیم گرفت که آیا این اضافه شده یا در بعضی از ترجمه ها جا افتاده. محققان کتاب مقدس غالباً می گن در پاسخ به این سؤال

می‌شه گفت، «خُب، بهترین دست‌نوشته‌هایی که این مطلب رو در خودش داره، کدومه و چقدر می‌شه بهشون اهمیت داد؛ و کدوم‌یک از اون‌ها رو به‌سختی می‌شه خوند؟» این نظرِ اون‌هاست.

چه چیزی غیرمحمتم‌تره؟ احتمالاً چی عوض شده؟ اینجا کمی سخته. نسخه‌های خوب می‌گن این باید باشه. شما می‌تونید بگید: «خُب، بعضی وقت‌ها یه حرف رو جا می‌ندازن. احتمالاً اینجا یه حرف رو جا انداختند. بعضی افراد گفتند: «خُب، اون‌ها یه حرف رو جا انداختند. من اینو اضافه می‌کنم.» به نظرم، اکثر وقت‌ها، نسخه‌برداران عبری، کلّ یه آیه‌ای رو که اون‌جا نبود، اضافه نمی‌کردند. پس من تمایل دارم که فکر کنم این مطلب اصلیه. این عملکرد خوبی به مسائل می‌ده.

این منطقی هست. این روحیه‌ی شعره. از یه طرف می‌تونید بگید، این چیز جدیدی رو اضافه نمی‌کنه. پس اگه اینو اضافه کنیم، یه آموزه‌ی جدید نداریم؛ اگه حذفش کنیم، یه آموزه رو از دست نمی‌دیم؛ اما به نظرم، این تعادل خوبی به مزامیر می‌بخشه و باید اونو اضافه کنیم.

اگه این مشکلات یا قالب ادبی یا قوانین سخت‌گیرانه‌ی ادبی، پرچلال نیست، پس چه چیز پرچلالی در این مزموره. اشتیاقِ مزمورنویسه که اینجا نمی‌خوایم اونو از دست بدیم. اشتیاق برای خداوند و کارهاش؛ اشتیاق برای عظمت و کمال کاری که خدا انجام داده و ادامه می‌ده. این مزمور، یه وجه جهانی داره که صرفاً باشکوهه. انگار شاعر نمی‌تونه جلوی هیجانی رو بگیره که نسبت به هویت و کارهای خداوند داره.

این به‌نوعی، حرکت به جلو و عقبه، اعلام و ستایشِ شخصیت خداوند و ستایشِ اعمال خداونده. او با خشنودی از هویت و کارهای خداوند، جلو و عقب می‌ره. درحالی‌که به مطالعه ادامه می‌دیم، می‌تونید اینو ببینید. «ای خدای من، ای پادشاه، تو را متعال می‌خوانم و نام تو را متبارک می‌گویم، تا ابدالابد! تمامی روز تو را متبارک می‌خوانم، و نام تو را حمد می‌گویم تا ابدالابد. خداوند عظیم است.» ببینید، این شخصیت خداست. من درباره‌ی خدا چی می‌خوام بگم؟

خُب، یکی از چیزهایی که می‌خوام بگم، اینه که او عظیمه. «خداوند عظیم است و بی‌نهایت ممدوح. و عظمت او را تفتیش نتوان کرد.» می‌بینید چطور این تجلیل عظمت خداوند بیشتر می‌شه؛ ما حتی نمی‌تونیم فکرش رو بکنیم. ما می‌تونیم تحقیق کنیم، می‌تونیم بخشی از اونو درک کنیم، اما این عظیم‌تر از درک ماست. پس این تجلیل عظیمه، «طبقه تا طبقه اعمال تو را تسبیح می‌خوانند» و حالا از شخصیت خدا به سراغ اعمال خدا می‌ره. «طبقه تا طبقه اعمال تو را تسبیح می‌خوانند و کارهای عظیم تو را بیان خواهند نمود.» پس حالا به کارهای خدا فکر می‌کنه. اما شاید متوجه شدید که نیمه‌ی اول این مزمور، خیلی گُلی هست. این کُلی هست، اعمال، کردار، کارهای قدرتمند خداوند.

پس هدف‌مون اینه که جای خالی رو پُر کنیم. چه کارهایی؟ خُب، همه‌ی کارها، کارهای بسیار زیاد، انواع کارها. ما اینو اعلام می‌کنیم. اینو ستایش می‌کنیم. به‌خاطرش شکرگزاری می‌کنیم. «در مجد جلیل کبریایی تو»؛ این شخصیت خداست: کبریایی؛ «و در کارهای عجیب تو»؛ این کار خداست؛ «تفکر خواهم نمود». پس کتاب مزامیر با تعمق شروع می‌شه، با تعمق بر اعمال خداوند به پایان می‌رسه.

«سخن خواهند گفت»، یعنی یک نسل به نسل بعدی، «در قوت کارهای مهیب تو سخن خواهند گفت. و من عظمت تو را بیان خواهم نمود. و یادگاری کثرت احسان تو را حکایت خواهند کرد. و عدالت تو را خواهند سراپید.» اینجا به شخصیت خدا برمی‌گردیم. او نه‌تنها عظیمه، بلکه نیکوست. این عنصر مهم مسیحیته که خدا نه‌تنها عظیمه، بلکه نیکوست.

بعضی از مذاهب فقط درباره‌ی عظمت خداشون شهادت می‌دن. ما مصرانه می‌گیم خدای عظیم، نیکوست، محبت و مهربونی‌اش نسبت به قومش، تغییرناپذیره. اگه می‌خواستید یکی از این‌ها رو در کتاب مزامیر به‌طور برجسته نشون بدید، اکثر اوقات، نه‌اینکه این دو مورد رو مقابل همدیگه بذارید، بلکه به‌طور خاص، نیکویی خدا نسبت به قومش در کتاب مزامیر تجلیل می‌شه و اینجا این به‌طرز فوق‌العاده‌ای اعلام شده.

«خداوند کریم و رحیم است و دیرغضب و کثیرالاحسان.» خداوند، اینو به موسی آشکار کرد. این بارها در سراسر عهدعتیق تجلیل شد. این بارها در کتاب مزامیر تجلیل شد. این واقعاً ما رو به قلب مذهب کتاب مقدسی می‌بره؛ اینکه خداوند نسبت به متعلقانش، فیاض و رحیمه، دیرغضبه و محبت‌تغییرناپذیرش خیلی زیاده. این چه تصویر شگفت‌انگیزی از شخصیت خداست که رحمت، محبت، شفقت، تدارک و صبر داره و بهتون گفتم مزمو ۱۰۳، مزمو موردعلاقه‌ی نهضت اصلاحات هلندی هست و این در وسط این مزموه.

مزمو ۱۰۳ آیه‌ی ۷ رو بخونیم: «طریق‌های خویش را به موسی تعلیم داد و عمل‌های خود را به بنی‌اسرائیل. خداوند رحمان و کریم است، دیرغضب و بسیار رحیم. تا به ابد محاکمه نخواهد نمود و خشم را همیشه نگاه نخواهد داشت. با ما موافق گناهان ما عمل ننموده، و به ما به حسب خطایای ما جزا نداده است. زیرا آن‌قدر که آسمان از زمین بلندتر است، به همان‌قدر رحمت او بر ترسندگانش عظیم است. به‌اندازه‌ای که مشرق از مغرب دور است، به همان اندازه گناهان ما را از ما دور کرده است. چنانکه پدر بر فرزندان خود رؤف است همچنان خداوند بر ترسندگان خود رأفت می‌نماید.»

اینجا در مزمو ۱۴۵، تجلیل از شخصیت رحیم خدا رو به‌طور شگفت‌انگیز داریم. آیه‌ی ۹: «خداوند برای همگان نیکو است. و رحمت‌های وی بر همه اعمال وی است.» چه بیانی‌هی گسترده‌ای! این یه بیانی‌هی جالب توجه‌ی که نیکویی و رحمت خدا به کل دنیایی که آفریده، گسترش پیدا می‌کنه و کسی که به‌سوی خدا برمی‌گرده، از این محبت و رحمت محروم نمی‌شه. می‌بینید، این

تجلیل جهانی محبت خدا و کلام خداست که با کلام انجیل اعلام می‌شود. «ای خداوند جمیع کارهای تو، تو را حمد می‌گویند. و مقدسان تو، تو را متبارک می‌خوانند. درباره جلال ملکوت تو سخن می‌گویند و توانایی تو را حکایت می‌کنند. تا کارهای عظیم تو را به بنی‌آدم تعلیم دهند و کبریایی مجید ملکوت تو را.»

این واقعاً وسط مزمور ۱۱ و ۱۲ هست که درباره‌ی جلال ملکوت و فرزندانی صحبت می‌کند که اعمال عظیم او رو در این ملکوت پُر جلال، باشکوه و زیبا اعلام خواهند کرد. انگار نمی‌تونید این تجلیل جهانی رو متوقف کنید. «ملکوت تو، ملکوتی است تا جمیع دهرها و سلطنت تو باقی تا تمام دورها.» این مطالب واقعاً عالییه. وقتی دلسرد می‌شید، خیلی عالییه که اینو بخونید. خداوند کجاست؟

چرا خداوند عمل نمی‌کند؟ آیا دستش رو در جیبش گذاشته و ایستاده؟ خُب، مزمور ۱۴۵ رو بخونید. می‌دونید، خوبه که مزمور ۸۸ رو وقتی واقعاً غمگین هستیم، بخونیم و بدونیم دیگران هم واقعاً غمگین بودند؛ اما به نظرم، بهتره چیزی رو بخونیم که حال مون رو بهتر کند. این تجلیل از نیکویی خدا، عظمت او، شکوه اوست که در طول نسل‌ها، در ملکوت ابدی و پُر جلال ساطع می‌شود.

بعد در آیه‌ی ۱۴، مزمورنویس به‌طور مشخص‌تر درباره‌ی کارهای خدا صحبت می‌کند. او به‌طور کلی درباره‌ی کارهای خدا صحبت کرده و حالا به‌طور مشخص صحبت می‌کند. «خداوند جمیع افتادگان را تأیید می‌کند و خم‌شدگان را برمی‌خیزاند.» حالا به تصویر زیبا از رحمت خداوند داریم. شما می‌تونید مزمور ۱۱۱ رو بخونید، به مزمور الفبایی دیگه که این تفکر رو نسبت به خداوند رفیع و بلندمرتبه ایجاد می‌کند که به‌سراغ افتادگان می‌ره و اون‌ها رو بلند می‌کند و در جایگاهی بالاتر از شاهزادگان قرار می‌ده. این تصویر زیبایی از رحمت خداوند، تدارک خداوند و نجات خداونده.

آیه‌ی ۱۵، «چشمان همگان منتظر تو می‌باشد و تو طعام ایشان را در موسمش می‌دهی.» خداوند برای همه‌ی مخلوقاتش غذا فراهم می‌کند، مخصوصاً برای قومش. «دست خویش را باز می‌کنی و آرزوی همه زندگان را سیر می‌نمایی.» اون قدر هیجان‌انگیزه که شاید بگیم: «خُب، آیا واقعاً درسته؟ او واقعاً خواسته‌ی همه‌ی زندگان رو برآورده می‌کند؟» خُب، او خواسته‌ی همه‌ی مشتاقانش رو برآورده می‌کند؛ اما اینجا نکته‌ی مهم اینه که تدارک خدا بسیار حیرت‌انگیزه، بسیار فراوانه! هیچ خِساستی در خدا نیست. هیچ چیز کم‌ارزشی در خدا نیست. او مشتاقه که نیکویی رو به‌فراوانی بر قومش جاری کند. این نباید شما رو به‌طرف انجیل خوشبختی هدایت کند. این برکت روحانی و عظیم خداوند بر قومش، غالباً به‌لحاظ جسمانی هم هست.

«خداوند عادل است در جمیع طریق‌های خود و رحیم در کل اعمال خویش.» می‌دونید، به نظرم گاهی اوقات می‌تونیم درباره‌ی مهربونی خداوند سؤال کنیم. در دنیایی که درد و بدی و کشمکش‌های زیادی هست، آیا خداوند، مهربونه؟ مزمورنویس می‌خواد به

یاد بیاریم که او واقعاً مهربونه. باید به چیزی فراتر از کشمکش‌ها نگاه کنیم و هویت خدا رو ببینیم. «خداوند نزدیک است به آنانی که او را می‌خوانند، به آنانی که او را به‌راستی می‌خوانند.» وعده‌ی شگفت‌انگیزِ پاسخِ دعا رو داریم.

«خداوند همه‌ی محبان خود را نگاه می‌دارد و همه‌ی شریران را هلاک خواهد ساخت.» این به نکته‌ی منفی در مزامیره. تقریباً هر مزموری به تضاد بین افراد شریر و دیندار داره. شریران نباید از این مزمور استفاده کنند و بگن: «حُب، اگه او همه‌ی دوست داره، من در جای امنی هستم.» نه، پاورقی: آیه‌ی ۲۰، این نتیجه‌گیری رو نمی‌کنه.

فیض برای همه‌ی کسانی که دنبالش هستند، هست. فیض برای همه‌ی کسانی که پیداش می‌کنند، هست. هرکسی که فیض رو خواسته، با خواسته‌اش مخالفت نشده. اینجا در آیه‌ی ۱۸ اینو می‌گه: «خداوند نزدیک است به آنانی که او را می‌خوانند»، اما برای کسانی که او رو صدا نمی‌کنند، هیچ رحمتی نیست.

پس این نتیجه‌ی شگفت‌انگیز رو داریم: «دهان من تسبیح خداوند را خواهد گفت و همه‌ی بشر نام قدوس او را متبارک بخوانند تا ابدالابد.» اینجا دوباره یکپارچگی موضوع کتاب مزامیر رو داریم. به‌طور فردی، «دهان من»؛ و جهانی و اجتماعی، «همه‌ی بشر»؛ باید او رو با هم ستایش کنند. مذهب کتاب مقدسی واقعی، همیشه خیلی شخصی و فردی هست، اما همیشه بخشی از جامعه و کلیسا هم هست و اینجا از همه‌ی این‌ها تجلیل شده.

پس این واقعاً به خاتمه‌ی بسیار متناسب و شگفت‌انگیز برای کتاب پنجم و در واقع، برای کل کتاب مزامیره. اگه این کتاب ستایشه، خیلی مناسبه که آیه‌ی آخر، این آیه باشه: «دهان من تسبیح خداوند را خواهد گفت» و امیدوارم این مقدمه از کتاب مزامیر، شما رو علاقه‌مند کرده باشه که کتاب مزامیر رو بهتر بشناسید.

ما در ابتدا گفتیم عنوان این مجموعه باید این باشه: «یاد بگیرید که مزامیر رو دوست داشته باشید». من امیدوارم که مشتاقانه به دوست داشتن مزامیر ادامه بدید و می‌دونم گاهی وقتی می‌شنوید کسی که کمی عبری بلده، درباره‌ی کتاب مزامیر صحبت می‌کنه، دلسرد می‌شید و می‌گید، «حُب، من عبری بلد نیستیم. نتونستم همه‌ی این چیزها رو پیدا کنم.»

شما می‌تونید چیزهای بسیار زیادتری از آنچه که تا به حال در مزامیر استفاده کردید را در آن پیدا کنید؛ از این موضوع دلسرد نشید. همه‌ی تلاش‌هاتون برای یادگیری مزامیر، پاداش عظیمی خواهد داشت. چطوری می‌تونید این کار رو بکنید؟ حُب، فقط اون‌ها رو بخونید، باهاشون آشنا بشید. من سعی کردم در این مسیر کمک‌تون کنم تا مسائل دلسردکننده، دیگه دلسردکننده نباشه و بدونید چطوری باهاشون برخورد کنید، بدونید چطوری در طول مسیر اون‌ها رو بکار ببرید.

یه راه عالی برای یادگیری مزامیر اینه که اون‌ها رو به‌عنوان سرود بخونید. پسر بزرگ من کشیش یه جماعت کلیسایی هست که قبلاً از نهضت اصلاح‌یافته نبود. در یه مقطعی، به این نتیجه رسیدند که شاید اون قدر که می‌خوان، کتاب مقدسی نیستند. واقعاً

می‌خواستند کتاب مقدسی باشند. پس یه سری چیزها رو بررسی کردند و یکی از چیزهایی که بررسی کردند، پرستش شون بود. وقتی پرستش رو بررسی کردند، یک روز یکی از رهبران کلیسا اومد و گفت: «می‌دونید، من در گوگل جستجو می‌کردم و فهمیدم که سرودهایی برای مزامیر تنظیم شده. آیا کسی می‌دونست که سرودهایی رو از مزامیر تنظیم کردند؟»

هیچ‌کس در کلیسا نمی‌دونست که از مزامیر سرود درست کردند. پس این شخص گفت: «می‌دونید، من متوجه شدم که یه کتاب مزامیر برای سرود خوندن هست.» همه گفتند: «آه! این چه راه خوبی برای یادگیری کتاب مزامیره. چرا ما این کتاب رو نمی‌خریم؟» و خریدند. ظاهر جالبی داره، آلبالویی رنگه.

از اون به بعد از این کتاب سرود استفاده می‌کنند، نه به‌عنوان یک اصل، بلکه فقط هیجان‌زده‌اند که بعضی از مزامیر رو یاد بگیرند. اون‌ها گفتند: «می‌دونید، وقتی نهایتاً با مزامیر آشنا بشیم، شاید از سرودهای دیگه استفاده کنیم.» اما هیجان‌زده‌اند و کسانی که با مزامیر آشنا نبودند، الان یه گنجینه‌ی غنی رو در بیانات عینی شخصیت و کارهای خدا و در پاسخ درونی قلب، در توبه و ستایش و ایمان به خداوند می‌بینند.

پس راهی پیدا کنید که زمان بیشتری رو به مزامیر اختصاص بدید. سرود خوندن یه روش عالییه؛ مطالعه. کلیساتون رو تشویق کنید که یه کلاس یا یه سری موعظاتی رو درباره‌ی مزامیر داشته باشند. این یه برکت بزرگه و من معتقدم که این واقعاً ما رو در رشدمون، ایمانمون و اعتمادمون عمیق‌تر می‌کنه. پس در خاتمه‌ی این مجموعه، خداوند شما رو برکت بده؛ این اشتیاق رو به شما بده که یاد بگیرید مزامیر رو دوست داشته باشید. ممنونم.